

مقایسه‌ی یادگیری زبان انگلیسی دانش‌آموزان دو زبانه با دانش‌آموزان یک زبانه

ناصر یوسفی*

احمد سهرابی**

عذرا اعتمادی***

سید احمد احمدی****

چکیده: این پژوهش به بررسی رابطه دو زبانه و یک زبانه با یادگیری زبان انگلیسی در میان دانش‌آموزان پسر پایه سوم مقطع راهنمایی با کنترل سه متغیر فردی (هوش)، خانوادگی و آموزشی می‌پردازد. در این پژوهش ۲۰۰ دانش‌آموز پایه سوم مقطع راهنمایی (نیمی عرب زبان و نیمی فارسی زبان) از مدارس ناحیه چهار اهواز به‌طور تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسش‌نامه محقق‌ساخته، آزمون هوشی ریون و امتحان معلم ساخته‌شده پایانی برای متغیرهای کنترل و یادگیری زبان انگلیسی استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد بیشترین همبستگی ساده بین یادگیری زبان انگلیسی دانش‌آموز با تدریس شاگرد محور به‌دست آمده است. در این پژوهش به جز متغیرهای درسی محور و ترتیب تولد، بقیه متغیرها با یادگیری زبان انگلیسی رابطه داشته‌اند بخصوص متغیر دو زبانه‌ی، تدریس شاگرد محور، موقعیت اقتصادی و فرهنگی خانواده، وضعیت مطلوب آموزشی، تحصیلات معلم و هوش دانش‌آموز در معادله رگرسیون مؤثر بوده‌اند. این متغیرها حدود ۸۸ درصد واریانس یادگیری زبان انگلیسی را تبیین می‌کنند. با کنترل متغیرهای فردی، نمره زبان با دو زبانه‌ی همبستگی معنی‌داری به‌دست آمد: $(I=47, \alpha < 0.05)$. بدین ترتیب دو زبانه‌ی بعد از کنترل برخی متغیرهای مربوط به دانش‌آموزان از قبیل هوش، خانواده، وضعیت، مدرسه معلم و تدریس شاگرد محور، می‌تواند ۲۵ درصد واریانس یادگیری زبان انگلیسی را تبیین کند که در سطح آلفای $(\alpha < 0.05)$ معنی‌دار است. به‌طور کلی بعد از کنترل یا خنثی کردن متغیرهای خانوادگی، فردی و آموزشی، دانش‌آموز دو زبانه و یک زبانه در یادگیری زبان انگلیسی با هم تفاوت معنی‌داری ندارند (یعنی دانش‌آموزان دو زبانه

* عضو هیأت علمی دانشگاه کردستان Naseryoosefi@yahoo.com

** استادیار دانشگاه کردستان A.sohrabi@uok.ac.ir

*** استادیار دانشگاه اصفهان Etemadiazra@yahoo.com

**** استاد دانشگاه اصفهان Ahmadi_a@yahoo.com

بیشتر از دانش‌آموزان یک‌زبان، انگلیسی را یاد می‌گیرند) تحلیل کواریانس هم نتایج مشابهی نشان می‌دهد، که در بخش تبیین کاملاً به آن اشاره شده است.

واژه‌های کلیدی: دوزبانه، تک‌زبان، خصوصیات خانوادگی، خصوصیات فردی، خصوصیات آموزشگاه، یادگیری زبان انگلیسی، دانش‌آموزان.

مقدمه

امروزه دو‌زبانگی و حتی چند‌زبانگی یک امر رایج است و تقریباً به‌ندرت می‌توان کشوری یافت که لااقل بخش کوچکی از جمعیت آن به دو یا چند زبان تکلم نکند (دنی ژیر ارگالیون، ۱۹۹۵). در بسیاری از کشورها علاوه بر زبان مادری یا زبان رسمی آموزشی، زبان‌های دیگر، لهجه‌ها و گویش‌هایی نیز وجود دارد (وال برگ، جی، اف، ۱۹۸۷)، که این موضوع یعنی دو‌زبانگی روی یادگیری و آموزش افراد آن جامعه تأثیر بسیاری دارد (جیمز فلال و پیتراچ سالوسی، ۱۹۸۷). طبق آمار سال ۱۳۵۵، در ایران یازده گروه یا جامعه زبانی را تمیز داده و شناختند (وثوقی، ۱۳۷۰). واینراش^۱ (۱۹۵۳) بیان نمود: «عملکرد و کاربرد دو‌زبان را به‌وسیله فرد "دوزبانگی" گویند و فردی که این ویژگی را دارد فرد "دوزبان" می‌نامد». نیلی پور (۱۳۷۱) دو‌زبانگی یا چند‌زبانگی را به معنی دانستن و به‌کار بستن دو یا چند زبان متفاوت می‌داند که فرد برحسب مورد برای نیازهای ارتباطی خود استفاده کند. براهنی (۱۳۷۱) در این زمینه می‌گوید: «که فرد دوزبان به کسی گفته می‌شود که می‌تواند به دو یا چند زبان تکلم کند که به درجات مختلف از لحاظ نظام‌های آوایی و اژگانی و دستوری متفاوت باشند». دو‌زبانگی را می‌توان به دو نوع "دو‌زبانگی طبیعی یا برابر و دو‌زبانگی آموزشی یا نابرابر" تقسیم کرد، در نوع اول فرد از آغاز تولد یا سال‌های اول زندگی بدون آموزش رسمی در تماس با دو زبان مختلف قرار می‌گیرد و به‌طور یکسان و برابر می‌تواند از دو زبان برای هدف‌های ارتباطی خود استفاده کند ولی در دو‌زبانگی آموزشی فرد پس از فراگیری زبان مادری به دلایل آموزشی یا فرهنگی - اجتماعی با یک زبان دیگر تماس پیدا می‌کند و دو‌زبان می‌شود (نیلی پور، ۱۳۷۱). علاوه بر دو نوع دو‌زبانگی فوق، پدیده دوزبانگی به‌صورت مختلفی متجلی می‌شود که برحسب کاربرد و نقش آنها عبارتند از: دوزبانگی مدرسه (زبان دوم فقط در مدرسه کاربرد دارد)، دوزبانگی خانگی (زبان دوم فقط در خانه کاربرد دارد). دو‌زبانگی شفاهی (آشنایی شفاهی با زبان دوم)، دو‌زبانگی کتبی و شفاهی (آشنایی به‌صورت شفاهی با یک

1- Weinreich

زبان و به صورت شفاهی و کتبی به زبان دیگر) و دو زبانی کامل (آشنایی به صورت شفاهی و کتبی با هر دو زبان)، (داگلاس براون، اج، ۱۹۹۱). دست‌اندرکاران تدریس به سهم خود در هر روش که اتخاذ کرده‌اند هیچ‌گاه استفاده از زبان مادری را کنار ننهادند و در یادگیری زبان دوم به دو رویکرد توجه کرده‌اند: یکی رویکرد دستور-ترجمه^۱ که این رویکرد بنا را در استفاده از زبان مادری به خصوص در مراحل اولیه می‌گذارد. در رویکرد دوم مثل یادگیری شفاهی زبان، زبان مادری کنار گذاشته می‌شود (دیوی، جی، پاپ، ۲۰۰۸). در این پژوهش کاربرد زبان مادری در کلاس زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد که به دلیل وجود گنجینه لغات زبان مادری، به یادگیری زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم کمک می‌نماید، هرچند در کوتاه‌مدت شاید از لحاظ روان‌شناختی تداخل ایجاد کند ولی در بلندمدت تسهیل‌گری ایجاد می‌کند (نجف‌آبادی الله‌وردی، ۱۳۷۴). در این پژوهش زبان مادری، زبان عربی است و دانش‌آموزان عرب زبان با زبان دومی یعنی فارسی آشنایی دارند و زبان انگلیسی زبان سوم برای عرب زبان‌ها محسوب می‌شود. بنابراین دانش‌آموزانی که زبان مادریشان عربی است (ناچار به آشنایی با زبان فارسی هم هستند) چون مطالب آموزشی آنها فارسی است ولی دانش‌آموزان فارس زبان تنها یک زبان دوم دارند و آن زبان انگلیسی است. در این پژوهش کوشش شده تا عوامل دیگر که غیر از زبان مادری بر یادگیری زبان اثر می‌گذارد مورد مطالعه قرار گیرد. عوامل مؤثر بر زبان‌آموزی را می‌توان دو دسته کرد: یکی عوامل درونی یا روان‌شناختی است که از آن جمله می‌توان ویژگی‌های روانی، هوش و جنسیت را نام برد (ویگو تسکی، ۱۹۸۴). دومی تأثیر عوامل بیرونی بر زبان‌آموزی است که این عوامل عبارتند از خانواده (مثل نقش والدین در زبان‌آموزی، فرهنگ خانواده، اقتصاد خانواده)، نقش آموزشگاه (مثل فضای فیزیکی مدرسه) و عوامل آموزش دهنده (مثل سطح تجارب و سواد معلم)، همه در آموزش و یادگیری زبان دومی بسیار اهمیت دارند (یول ریک، هالسبند، ۲۰۰۶). پدیده دو زبانی و پیامدهای آن متأثر از یک یا مجموعه‌ای از عوامل فوق می‌باشد که بر همدیگر اثرات متقابل دارند و هیچیک از عوامل فوق به تنهایی نقش مؤثری ندارند بلکه ترکیبی از عوامل فوق در یادگیری زبان انگلیسی بسیار مهم و مؤثر است (یول ریک، هالسبند، ۲۰۰۶)، یافته‌های این پژوهش را که بر روی دانش‌آموزان عرب زبان و فارسی زبان ناحیه ۴ اهواز انجام شده است می‌توان تا حدودی به موقعیت‌های دیگر یادگیری زبان که در اصل با

وضعیت ما و کشورمان ایران مشابهت دارند، مثل دو زبانگی کردی، دو زبانگی ترکی، دو زبانگی لری، دو زبانگی گیلکی و غیره تعمیم داد و راهبردهای علمی برای آموزش زبان انگلیسی دانش‌آموزان در کشور ارائه نمود که اوماللی، ام وچاموت، ای، وی، (۱۹۹۰) بیان دارند در هر کشوری باید به‌دنبال راهبرد برای آموزش زبان دوم بود که متأسفانه اکثر آنها وضعیت مناسبی در زمینه یادگیری زبان انگلیسی ندارند (سمینار بررسی ابعاد دو زبانگی، ۱۳۷۱). همچنان که در ادبیات پژوهش خواهید دید، هنوز در مورد خصوصیات روان‌شناختی و یادگیری زبان دوم در بین افراد دو زبانه و یک زبانه پژوهشگران به نتایج قطعی دست نیافته‌اند (وال برگ، جی، اف، ۱۹۸۷) و مطالعه منابع مربوط در کشور خودمان نشان می‌دهد که در این زمینه در حد کافی پژوهش نشده است. از آنجا که ایران از جمله کشورهایی است که از لحاظ دو زبانگی بسیار متنوع است و یادگیری زبان انگلیسی هم به‌عنوان زبان دوم چندان وضعیت رضایت‌بخش ندارد، فلذا به‌نظر می‌رسد انجام پژوهش در این زمینه هم ضرورت، تازگی و هم جای تدبیر و تفحص دارد (ساعی، ۱۳۷۲).

بررسی پیشینه‌ی پژوهش و ادبیات نشان می‌دهد، در بعضی رویکردهای آموزش زبان انگلیسی، دانستن زبان مادری و انتقال مثبت یا منفی آن را از اصول اساسی تدریس و یادگیری زبان دوم در نظر گرفته‌اند (استیف، میجورس و همکاران، ۲۰۰۸). در این زمینه پژوهش‌های فراوانی انجام گرفته است که ما در این بخش به بعضی از پژوهش‌های داخل و خارج از ایران می‌پردازیم. تجربه کسانی که به زبان دوم سخن می‌گویند، تقریباً در تمام دنیا (مثل جهان عرب، آسیا، اروپا و جهان غرب) سرشار از نمونه‌های فراوان از به‌کارگیری زبان مادری در کلاس زبان دوم است. نوربت فرانسس (۲۰۰۵) با مطالعه آثار زیست‌شناختی و روان‌شناختی، پژوهش‌هایی در زمینه زبان‌آموزی انجام داده است و به این نتیجه رسیده که حذف زبان مادری در کلاس‌های زبان دوم از نظر فیزیولوژیک و روان‌شناسی غیر اصولی است و هر گونه یادگیری زبان بیگانه در مراحل بعدی باید بر اساس زبان اول انجام گیرد، به‌دلیل حذف زبان و نداشتن فرصت برای استفاده واقعی از زبان دومی خارج از کلاس درس، گاه استفاده از زبان مادری به‌شدت توصیه شده است (لارسن و همکاران، ۱۹۹۷). زبان مادری برای اهداف ویژه یا در موقعیت‌های خاص زمینه را برای یادگیری زبان دوم فراهم می‌آورد (کندی، ایوژو، پارک، های وسیونگ، ۱۹۹۴). مطالعه اولیه در آمریکا درباره کودکان دو زبانه که در خانه به اسپانیایی و در مدرسه انگلیسی صحبت می‌کردند نشان داد که نمره هوشبهر این کودکان بالاتر از هنجارهای آزمون مورد استفاده است (ام،

کندراسون و همکاران، ۲۰۰۸). مطالعات سیمونز و همکارانش در کانادا (۱۹۷۶) نتایج مطالعات قبلی را درباره اثر مساعد دو زبانی بر هوش تأیید نکرده‌اند (به نقل از سیمونز^۱، ۱۹۷۶). ایلن بیالستوک و همکاران (۲۰۰۵) اظهار می‌کنند که افراد یک زبانه در آزمون‌های استعداد کلامی و غیر کلامی بر دو زبانه‌ها برتری نشان داده‌اند. ارتورو، ای، هرماندز، پینگ، لی (۲۰۰۷) در پژوهشی استعداد، سن و سال تحصیلی و سابقه اجتماعی-اقتصادی را با سابقه دو زبانی در ۱۱۵۲ کودک ایتالیایی و ۱۱۹۶ کودک یهودی در آمریکا مقایسه کردند. آنها براساس تحلیل دقیق داده‌ها اعلام کردند که دو زبانی تأثیر معنی‌داری بر استعداد و هوش افراد دو زبانه دارد. همچنین نتایج تحقیق میدانی در ایران نشان می‌دهد که استفاده از زبان مادری در کلاس‌های آموزش زبان دوم مؤثر است در مطالعه‌ای که توسط یوحناپی (۱۳۸۳) درباره یادگیری افعال روان‌شناختی در زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم/سوم توسط فارسی‌زبانان تک زبانه و عرب‌زبانان ایرانی دو زبانه مورد پژوهش قرار گرفت که برتری دو زبانه بر یک زبانه را نشان داد. لذا معلمان باید به این نکته در آموزش زبان دوم توجه نمایند (یوحناپی، ۱۳۸۳). محمدزاده (۱۳۶۵) در تحقیق خود چهار شاخص حافظه (یعنی یادگیری اولیه، نگهداری، بازشناسی و بازآموزی) را در دو گروه فارسی زبان و زرتشتی زبان مقایسه کرد به این نتیجه رسید که از لحاظ متغیرهای مورد مطالعه تفاوتی بین دو گروه زبانی وجود ندارد. تقی زاده (۱۳۵۱) دانش‌آموزان فارسی زبان را با ترک زبان در شهر تهران از نظر عملکرد در آزمون ماتریس‌های ریون و آزمون‌های هوش کلامی مقایسه کرده و نشان داد که بین دو گروه در عملکرد آنها در آزمون‌های فوق تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. نجاریان و مکوندی (۱۳۷۷) با مقایسه هوش دانش‌آموزان مقطع پنجم ابتدایی فارسی زبان یا عرب زبان نشان دادند که بین هوش دانش‌آموزان یک زبانه و دو زبانه تفاوت وجود ندارد. باربارا توردل (۲۰۰۷) نشان داد که با وجود اینکه افراد دو زبانه در استعداد زبانی با افراد یک زبانه یکسان بودند ولی در پیشرفت تحصیلی به نحو چشمگیری بر آنها سبقت می‌جویند. مطالعات انجام شده در کانادا نشان داد که دو زبانی سبب افزایش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان می‌گردد (لیندا، ام. مک مولین، ۲۰۰۲). هاشین، آر، ای وساهیل، اس، ای (۱۹۹۴) معتقد هستند مهارت‌های زبان مادری موجب تسهیل یادگیری زبان دوم می‌شود. کندی، پارک و های-سنیگ^۲ (۱۹۹۴) در مطالعه‌ای از زبان محاوره‌ای خانه به‌عنوان یک متغیر پیش بین پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مکزیکی و آسیایی مقیم آمریکا استفاده کردند. محی‌الدین (۱۳۵۳) در تحقیقی به نام ترک زبان بودن والدین و تأثیر

1- Simones

2- Kennedy, Park and Yae-Seng

آن در یادگیری خواندن و نوشتن کودکان در آزمون درک و فهم معانی واژه‌ها با ۶۰ دانش‌آموز ترک زبان و ۶۰ دانش‌آموز فارسی زبان نشان داد که تفاوتی از لحاظ فهم معانی واژه‌ها بین دو گروه مورد مطالعه وجود دارد (ترک زبان‌ها بر فارس زبان‌ها برتری داشتند). عارفی (۱۳۵۷) توانایی فهم مطالب خواندنی و معانی واژه‌ها را دو گروه آذری و ارمنی زبان در شهر ارومیه در دو کلاس اول و سوم ابتدایی و اول راهنمایی مورد مطالعه و مقایسه قرارداد (یافته‌های این پژوهش برتری نسبی کودکان ارمنی زبان را نشان داد). مکوندی و همکاران (۱۳۷۷) با مقایسه عملکرد تحصیلی در پایه‌های اول تا چهارم بین دانش‌آموزان یک زبان و دو زبان به تفاوت معنی‌داری پی بردند. که در همه پایه‌ها معدل تحصیلی دانش‌آموزان یک زبان نسبت به دو زبان بیشتر بوده است.

دیناروند (۱۳۷۲) نشان داد که پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دو زبان کمتر و میزان افت تحصیلی آنها بیشتر است. الهام پور (۱۳۷۷) در پژوهشی با مقایسه روند عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دو زبان و یک زبان شهر اهواز نشان داد که عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان یک زبان سال اول راهنمایی در کلیه پایه‌های قبلی از دو زبان‌ها به‌طور معنی‌داری بالاتر است. وی در مطالعه‌ای دیگر تحت عنوان بررسی رابطه دو زبانگی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی مدارس ناحیه یک اهواز با کنترل برخی متغیرهای هوشی و محیطی، به این نتیجه رسید که با کنترل متغیرهای درونی و بیرونی دانش‌آموزان دو زبان و یک زبان تفاوتی ندارند و تمایل به یادگیری بهتر دو زبان بر یک زبان است (الهام پور، ۱۳۷۷). پناهی (۱۳۸۴) در پژوهشی که با عنوان بررسی روش نوین در ارتقای انتقال یادگیری از زبان مادری به موقعیت‌های مشابه یادگیری واژگان در زبان دوم انجام داد، نتایج آماری نشانگر این موضوع بود که دانشجویان گروه فارسی در هر چهار آزمون با تفاوت معنی‌داری نسبت به گروه دیگر در هر سه آزمون موفق‌تر بودند. نتایج حاصل از این پایان‌نامه در بردارنده نکات بسیار مهمی برای دست‌اندرکاران امر آموزش زبان و به‌خصوص واژگان زبان بیگانه می‌باشد. بابایی، علی احمد و زارعی (۱۳۸۵) در بررسی شناخت محور زبان گردانی در عملکرد نوشتاری فراگیران ایرانی زبان دوم دریافتند، که در فراگیران زبان دوم سه دلیل عمده برای رفتار زبان گردانی تشخیص داده شد که شامل "ضعف زبانی"، "بار سنگین بر روی حافظه" و "احساس راحتی با زبان مادری" بود. بنابراین سؤال اصلی این پژوهش به این صورت قابل طرح است:

آیا با کنترل متغیرهای خانوادگی، آموزشی و هوش فردی، دو زبانگی با یادگیری زبان انگلیسی دانش‌آموزان پایه سوم راهنمایی رابطه دارد؟

روش

طرح پژوهش حاضر از نوع طرح شبه آزمایشی محسوب می‌شود چون محقق دو گروه را با تعدیل برخی متغیرها مثل وضعیت خانوادگی، آموزشگاهی و هوش مورد مطالعه قرار داده است یعنی سعی شده است متغیر مستقل آموزش زبان انگلیسی با متغیر وابسته یعنی یادگیری زبان انگلیسی در دو گروه عرب زبان و فارس زبان مورد مقایسه قرار دهد.

جامعه‌ی آماری، نمونه و روش انتخاب نمونه

جامعه‌ی مورد مطالعه در این پژوهش دانش‌آموزان پسر پایه سوم راهنمایی مدارس راهنمایی ناحیه چهار شهر اهواز بود. برای نمونه‌گیری، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شد (چون فرض بر این بود که بیشتر مدارس اهواز عرب‌زبانند) که به این منظور ۱۰ مدرسه انتخاب گردید. از هر مدرسه برگزیده شده به‌طور تصادفی دو کلاس سال سوم انتخاب شد. از دانش‌آموزان پایه سوم راهنمایی هر مدرسه که انتخاب شده بود ۲۰ نفر به‌طور تصادفی ساده انتخاب شدند. بدین صورت نمونه پژوهش شامل ۲۰۰ دانش‌آموز (نیمی فارسی زبان و نیمی عرب زبان) بود.

برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسش‌نامه‌ای استفاده شد که به این منظور توسط محقق ساخته شده بود و همچنین برای بررسی توانایی هوشی از آزمون هوشی ریون استفاده شد و نمره سؤالات امتحان زبان پایانی را به‌عنوان شاخص پیشرفت تحصیلی به‌کار بردیم. روش کار به این صورت بود که بعد از نمونه‌گیری، افراد مذکور تحت آموزش زبان انگلیسی قرار گرفتند. برای گرفتن اطلاعات در مورد متغیرهای کنترل یعنی خانوادگی، آموزشگاهی، پرسش‌نامه به دانش‌آموزان، والدین، معلمان، مدیران و کارمندان مدرسه پرسش‌نامه‌ای دادیم، سرانجام پرسش‌نامه‌ای که برگردانده شد شامل اطلاعات زیر بود:

اطلاعات خانوادگی شامل اندازه خانواده، سواد والدین، میزان درآمد، تعداد اطاق‌های مسکونی، ترتیب تولد، زبان رایج در خانه و محله مسکونی و موقعیت اقتصادی و اجتماعی بود و اطلاعات آموزشگاهی نیز موارد زیر را شامل می‌شد:

تعداد دانش‌آموزان مدرسه، سابقه مردودی در درس انگلیسی، تراکم کلاس، وضعیت کلاس از لحاظ نور و روشنایی و کمیت و کیفیت وسایل گرم و خنک کننده، امکانات کمک آموزشی (فیلم و نوار)، تحصیلات معلم، رشته مرتبط معلم به زبان انگلیسی. به‌منظور سنجش هوش دانش‌آموزان از آزمون معتبر و هنجاریابی شده فرم الف بزرگسالان ریون بهره گرفتیم، این آزمون

در سال ۱۳۷۷ روی همه دانش‌آموزان ایرانی توسط دفتر مشاوره وزارت آموزش و پرورش هنجاریابی شده است و از میزان روایی و اعتبار بالایی ($\alpha=0.78$) برخوردار است. متغیرهای این پژوهش در مورد دو زبانه و یک زبانه و بهره هوشی می‌باشد. دو زبانه که دانش‌آموز به زبان مادری یعنی عربی تکلم می‌کند و در خانواده عرب زبان به دنیا آمده است و در منزل و محل مسکونی با زبان عربی تکلم می‌کند ولی در مدرسه باید با زبان فارسی درس بخواند، بنویسد و صحبت کند. دانش‌آموز یک زبانه دانش‌آموزی است که زبان مادریش فارسی است و در خانواده و محل مسکونی با زبان فارسی تکلم می‌کند و در مدرسه هم با زبان فارسی درس می‌خواند، می‌نویسد و صحبت می‌کند. هوش عبارت است از توانایی فرد در سازگاری با موقعیت‌های تازه، یا توانایی یادگیری را هوش گویند (تامسون، کنفورت، ۱۹۸۷) و از لحاظ عملیاتی هوش نمره یا کمیته است که دانش‌آموز در پاسخ به مقیاس غیر کلامی بزرگسالان ریون^۱ (۱۹۴۸) به دست می‌آورد.

ابزار پژوهش

ابزاری که در این پژوهش استفاده شد پرسش‌نامه‌ای بود که توسط محقق ساخته شده بود و حاوی سؤالاتی در مورد وضعیت خانوادگی و موقعیت آموزشگاه بود و سؤالات امتحانی که این سؤالات از کتاب انگلیسی سال سوم راهنمایی توسط معلم مربوطه طرح گردید و برای سنجش میزان یادگیری دانش‌آموزان در درس زبان انگلیسی به کار گرفته شد. از آزمون ریون هم برای سنجش هوش مورد استفاده واقع گردید. در این تحقیق از فرم سیاه و سفید بزرگسالان استفاده شد، که در سال ۱۹۳۸ توسط ریون در بریتانیا ساخته شد، این آزمون دارای ۶۰ تصویر می‌باشد. در هر ماتریس یا تصویر قسمتی حذف شده است. آزمودنی می‌بایست از بین ۶ یا ۸ گزینه داده شده، قطعه یا گزینه‌ای را انتخاب کند که تکمیل‌کننده ماتریس یا طرح باشد لازم است گفته شود که آزمون به صورت گروهی اجرا شد. چون این آزمون یک مقیاس غیر کلامی (تصویری) است و اصطلاحاً فرهنگ ناپسته می‌باشد بنابراین در اکثر کشورهای جهان مورد استفاده است و نیاز به هنجار فرهنگی ندارد و جزء آزمون‌های پرمصرف است که روایی و اعتبار قابل قبولی از لحاظ آماری دارا می‌باشد.



1- Rayven's Progressive Matrices test

یافته‌ها

در تحلیل داده‌ها از آمارهای استنباطی، ضریب همبستگی، رگرسیون آزمون t بهره گرفتیم که نتایج در جدول‌های زیر ارائه می‌شود.

جدول ۱: ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش با یادگیری زبان انگلیسی دانش‌آموزان

متغیرها	R	متغیرها	R
رشته مرتبط معلم	*۰/۲۷	تعداد افراد خانواده	*-۰/۴۱
مدرک تحصیلی معلم	*۰/۴۷	وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده	*-۰/۴۹
سابقه تدریس	*۰/۴۸	وجود اتاق مطالعه در منزل	*-۰/۴۵
علاقه‌مندی معلم به رشته تدریس	*۰/۴۷	فضای عاطفی خانواده	*۰/۴۳
سابقه ضمن خدمت تخصصی	*۰/۴۰	استفاده از معلم سرخانه	*۰/۴۷
تدریس درس-محور	-۰/۴	شناخت دانش‌آموز از کاربرد زبان در آینده	*۰/۴۴
تدریس شاگرد-محور	*۰/۵۱	ترتیب تولد	۰/۰۲
شلوغی و آلودگی صوتی	*-۰/۳۹	زبان رایج در محل مسکونی	*۰/۳۹
تراکم کلاس	*-۰/۴۷	استفاده از فیلم یا نوار انگلیسی توسط اعضای خانواده	*۰/۴۱
کیفیت رنگ و نور در کلاس	*۰/۳۵	تبلیغات خانواده و اطرافیان در مورد سختی زبان انگلیسی	*۰/۴۸
وضعیت گرمی و سردی کلاس	*۰/۳۲	بهره هوش دانش‌آموزان	*۰/۴۵
بهره‌گیری از وسایل کمک آموزشی	*۰/۵۰		
سواد پدر	*۰/۴۲		
سواد مادر	*۰/۴۳		
سواد والدین	*۰/۴۵		

$P < 0.05$

جدول ۱، ضرایب همبستگی تک تک متغیرها را صرفنظر از متغیر دو زبانه‌ی یادگیری زبان انگلیسی نشان می‌دهد. همچنان‌که در جدول ۱، ملاحظه می‌شود ۲۶ متغیر رابطه آنها با یادگیری زبان انگلیسی محاسبه شده است. به‌جز رابطه یادگیری زبان انگلیسی با تدریس درس-محور و ترتیب تولد، در سایر متغیرها ضرایب همبستگی در سطح حداقل $0.05 < \alpha$ معنی‌دار بودند. بزرگترین ضریب همبستگی به تدریس شاگرد-محور و کوچک‌ترین ضریب همبستگی به ترتیب تولد تعلق داشته است (باید گفت در این جدول سواد والدین از ترکیب سواد مادر و پدر و فضای عاطفی از ترکیب فضای استبدادی، دمکراتیک و آزادی مطلق به‌دست آمده است).

جدول ۲: رگرسیون چندگانه با روش گام به گام به منظور پیش‌بینی یادگیری زبان انگلیسی با متغیرهای تحقیق

متغیرها	MR	R ^۲	F	ضرایب رگرسیون						
				۱	۲	۳	۴	۵	۶	
تدریس	۰/۵۰۳	۰/۲۵۳	۷۱/۱۲	۰/۵۰۳						
شاگرد			۰/۰۰۰۱	۱/۳۵						
محور				۱۵/۵۲						
				۰/۰۰۰۱						
دو زبانی	۰/۵۸۴	۰/۳۴۱	۶۸/۴	۰/۴۹	۰/۴۴					
			/۵۱	۰/۱۱	۰/۶۴					
			۰/۰۰۰۱	۱۲/۴۱	۹/۵۳					
				۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱					
هوش	۰/۵۱۲	۰/۲۶۲	۶۷/۱۲	۰/۴۷	۰/۴۱	۰/۴۳				
دانش آموز			۰/۰۰۰۱	۱/۰۲	۰/۵۹	۰/۴۷				
				۱۱/۴۲	۸/۶۴	۷/۹۱				
				۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱				
موقعیت	۰/۵۳۶	۰/۲۸۷	۵۳/۲۴	۰/۳۸	۰/۳۶	۰/۳۲	۰/۳۷			
اجتماعی و			۰/۰۰۰۱	۰/۹۱۴	۰/۵۴	۰/۴۳	۰/۳۸			
اقتصادی				۱۰/۶۴	۷/۹۳	۶/۳۲	۶/۲۷			
				۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱			
وضعیت	۰/۵۵۲	۰/۳۰۴	۵۲/۳۲	۰/۳۱	۰/۳۴	۰/۳۱	۰/۲۸			
آموزشگاه			۰/۰۰۰۱	۰/۸۳۲	۰/۴۳	۰/۳۶	۰/۳۲			
				۸/۷۸	۶/۸۹	۵/۰۵	۵/۵۴			
				۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱			
ویژگی‌های	۰/۵۶۳	۰/۳۱۶	۴۷/۲۵	۰/۲۹	۰/۲۷	۰/۲۹	۰/۲۳			
فردی و			۰/۰۰۰۱	۷/۵۶	۵/۲۴	۰/۳۲	۰/۲۹			
تخصصی				۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۴/۷۸	۵/۲۳			
معلمی				۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱			

جدول ۲ رگرسیون چند متغیری را برای خنثی کردن اثر متغیرهای کنترل (فردی، خانوادگی و آموزشگاهی) و بررسی رابطه دو زبانی با یادگیری زبان انگلیسی دانش آموزان را نشان می‌دهد. همچنان که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، تدریس شاگرد-محور ($M-R=0/50$)، موقعیت اجتماعی - اقتصادی خانواده به اضافه متغیر قبلی ($M-R=0/53$)، وضعیت آموزشگاهی با دو متغیر قبلی ($M-R=0/56$)، ویژگی‌های شخصی و علمی معلمی با سه متغیر قبلی ($M-R=0/57$)؛ دو زبانی با چهار متغیر قبلی ($M-R=0/58$)، و بهره هوش دانش آموز همراه با متغیرهای قبلی ($M-R=0/51$) در معادله رگرسیون حضوری معنی دار دارند. این شش متغیر با هم می‌توانند ۸۸٪ واریانس یادگیری زبان انگلیسی را پیش‌بینی کنند. تدریس شاگرد محور می‌تواند ۲۶٪، دو زبانی ۲۵٪، هوش دانش آموز ۲۴٪، موقعیت اجتماعی و اقتصادی خانواده ۶٪، موقعیت

آموزشگاه ۴٪ و خصوصیات علمی و شخصی معلمی ۳٪، از واریانس یادگیری زبان انگلیسی را تبیین کند. افزودن متغیر دوزبانگی به چهار متغیر فوق الذکر ۲۵٪ به تبیین واریانس یادگیری زبان انگلیسی اضافه می‌کند که در سطح $\alpha = 0/0001$ معنی‌دار می‌باشد. آن مقدار از یادگیری زبان انگلیسی که توسط پنج متغیر شاگرد-محوری، موقعیت اجتماعی و اقتصادی، وضعیت آموزشگاه و ویژگی‌های شخصیتی-علمی، معلمی تبیین می‌شدند از نمره یادگیری زبان انگلیسی دانش‌آموزان کسر گردید که نمره باقی مانده با متغیر دو زبانگی همبستگی برابر $r=0/47$ داشت که در سطح $\alpha = 0/05$ معنی‌دار بود. با مقایسه مقادیر باقی مانده از یادگیری زبان انگلیسی با کنترل متغیرها، دانش‌آموزان دو زبانه و یک زبانه از لحاظ یادگیری زبان انگلیسی تفاوت معنی‌داری بین آنها وجود دارد ($t=8/89$) و $P=(0/0001)$ ، یعنی دو زبانه‌ها در یادگیری زبان انگلیسی بر یک زبانه‌ها برتری دارند.

جدول ۳: تحلیل کواریانس یادگیری زبان انگلیسی دانش‌آموزان دو زبانه و یک زبانه

منبع پراکندگی	مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجذورات	F	P	مجذوراتا	توان آماری
دو زبانگی	۴۲/۳۴	۱	۴۲/۳۴	۶۷/۸۵	۰/۰۰۰۱	۰/۸۵	۱/۰۰
خطا	۱۸۵۶/۴۸	۱۷۷	۹/۶۴				
مجموع	۱۸۹۸/۸۲	۱۷۸	۵۱/۹۸				

همچنان که جدول ۳ نشان می‌دهد، تحلیل کواریانس و یادگیری زبان انگلیسی دانش‌آموزان دو زبانه و یک زبانه با توجه به سه دسته متغیر فردی، خانوادگی و آموزشگاهی نیز به نتایج مشابهی منتهی گردید.

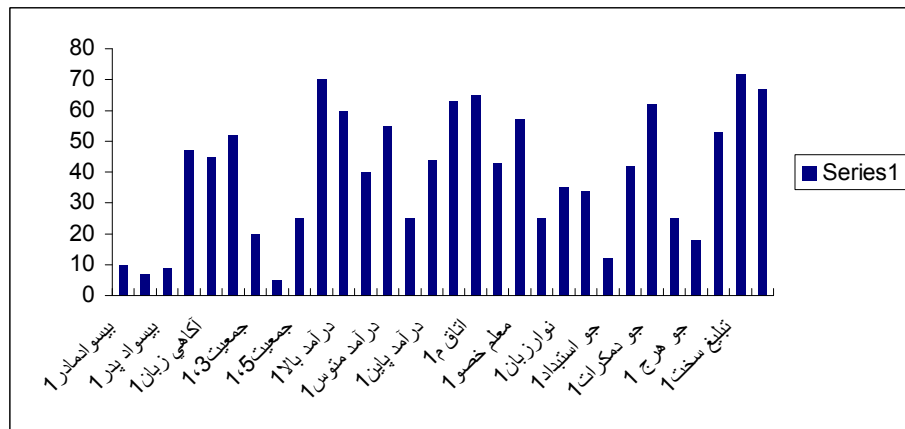
جدول ۴: میانگین، انحراف معیار و مقدار t مربوط به یادگیری زبان انگلیسی دانش‌آموزان دو زبانه و یک زبانه

گروهی‌ها	میانگین	انحراف معیار	t	df	P
دو زبانه	۱۶/۳۵	۰/۸۲	۱۰/۳۹	۱۹۸	۰/۰۰۰۱
یک زبانه	۱۲/۱۴	۴/۱۳			

همچنان که جدول ۴ نشان می‌دهد، میانگین یادگیری زبان انگلیسی دانش‌آموزان دو زبانه (عرب زبان) برابر ۱۶/۳۵ و دانش‌آموزان یک زبانه (فارس زبان) برابر ۱۲/۱۴ بوده است. که از لحاظ آماری با توجه به آزمون T میان دو گروه تفاوت معنی‌داری وجود دارد. یعنی یادگیری زبان انگلیسی دانش‌آموزان دو زبانه (عرب زبان) با دانش‌آموزان فارس زبان (یک زبانه) متفاوت است.

به عبارت دیگر این مقایسه نشان می‌دهد که دو زبانه‌ها در یادگیری زبان انگلیسی بر یک زبانه‌ها برتری دارند (جدول ۴).

نمودار ۱: مقایسه درصد متغیرهای کنترل فردی، خانوادگی و آموزشی دانش‌آموزان دو زبانه و یک زبانه



همچنان‌که در نمودار یک ملاحظه می‌شود، ۱۰ درصد مادران دانش‌آموزان دو زبانه (عرب زبان) بی‌سواد هستند، در حالی که در خانواده‌های یک زبانه ۷ درصد مادران بی‌سواد هستند. پدران بی‌سواد در خانواده‌های یک زبانه ۹ درصد بودند در حالی که در خانواده دو زبانه ۴۷ درصد پدران بی‌سواد هستند، از لحاظ شناخت و آگاهی در مورد کاربرد زبان انگلیسی در زندگی آینده‌شان ۵۴ درصد دانش‌آموزان یک زبانه و ۵۲ درصد دانش‌آموزان دو زبانه شناخت و آگاهی دارند. ۲۰ درصد دانش‌آموزان یک زبانه، ۵ درصد دانش‌آموزان دو زبانه در خانواده‌های با جمعیت ۳ نفر زندگی می‌کنند و همچنین ۲۵ درصد از دانش‌آموزان یک زبانه و ۷۰ درصد دانش‌آموزان دو زبانه در خانواده‌های با جمعیت بیش از ۵ نفر زندگی می‌کنند. از لحاظ درآمد ۴۴ درصد یک زبانه‌ها و ۶۳ درصد دو زبانه‌ها دارای درآمد پایین و ۵۵ درصد یک زبانه‌ها و ۲۵ درصد دو زبانه‌ها دارای درآمد متوسط و همچنین ۶۰ درصد از دانش‌آموزان یک زبانه و ۴۰ درصد از دانش‌آموزان دو زبانه دارای درآمد بالاتر از متوسط می‌باشند. همچنان‌که نمودار نشان می‌دهد ۶۵ درصد از دانش‌آموزان یک زبانه و ۴۳ درصد دانش‌آموزان دو زبانه در منزل اتاقی برای مطالعه دارند و ۵۷ درصد از دانش‌آموزان یک زبانه و ۲۵ درصد از دانش‌آموزان دو زبانه علاوه بر معلمان مدارس، در منزل از معلم خصوصی برای یادگیری زبان انگلیسی بهره می‌گیرند. ۳۵ درصد از دانش‌آموزان یک زبانه و ۳۴ درصد از دانش‌آموزان دو زبانه در منزل توسط خود دانش‌آموز یا

یکی از اعضای خانواده از فیلم‌ها یا نوارهایی که به زبان انگلیسی فیلم پخش می‌کند یا آواز می‌خواند استفاده می‌کنند که به نحوی بر یادگیری زبان انگلیسی آنها مؤثر است. از لحاظ جو عاطفی حاکم بر خانواده که به‌نحوی در یادگیری دانش‌آموز مؤثر است به‌ترتیب ۱۲٪، ۶۲٪، ۱۸٪ خانواده یک زبانه و ۴۹٪، ۲۵٪، ۵۳٪ خانواده دو زبانه استبدادی، دمکراتیک و هرج و مرج گزارش کرده‌اند و ۶۷ درصد از خانواده‌ها و اطرافیان دو زبانه‌ها و ۷۲ درصد از خانواده‌ها و اطرافیان یک زبانه به دانش‌آموزان خود گفته‌اند که درس زبان انگلیسی مشکل یا سخت است.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی شده است که علاوه بر مقایسه دو زبانه‌ها و تک زبانه‌ها، اقدام به کنترل عوامل مؤثر در کیفیت دو زبانه‌گی شود. در این پژوهش تلاش شده است با کنترل متغیرهای اصلی مثل عوامل فردی به‌خصوص (هوش)، وضعیت خانوادگی، وضعیت آموزشگاهی و پاره‌ای از ویژگی‌های معلم مربوطه به بررسی رابطه دو زبانه‌گی و یک زبانه‌گی با یادگیری زبان انگلیسی پرداخته شود. همچنان‌که در ادبیات پژوهش به آن اشاره شد نتایج برخی مطالعات بیانگر آن است که دو زبانه‌ها و یک زبانه‌ها از لحاظ عملکرد تحصیلی و یادگیری تفاوت معنی‌داری ندارند. مانند تحقیقات سیمونز و همکارانش (۱۹۷۶)، آرتورو، ای، هراندز، پینگ، لی (۲۰۰۷)، محمدزاده (۱۳۶۵). تحقیقات دیگری نیز نشان داده‌اند که عملکرد تحصیلی یک زبانه‌ها بر دو زبانه‌ها برتری دارند. مثل تحقیقات ایلن بیالستوک و همکاران (۲۰۰۵)، ام، کندراسون و همکاران (۲۰۰۸)، وینریچ، یو (۱۹۵۳)، دیناروند (۱۳۷۲)، مکوندی و همکاران (۱۳۷۷)، الهام پور (۱۳۷۷). البته پژوهش حاضر به مطالعه رگرسیون چند متغیره با یادگیری زبان انگلیسی پرداخته است. در این پژوهش سعی شده است علاوه بر بررسی تفاوت دو زبانه با یک زبانه‌ها به بررسی سهم هر یک از عوامل کنترل در یادگیری زبان انگلیسی پرداخته شود، پژوهش حاضر با پژوهش‌های دیگر در بسیاری موارد همخوانی دارد و در بعضی موارد همخوانی ندارد از جمله با پژوهش‌های کندی، پارک و های - سینک (۱۹۹۴) که به مطالعه رگرسیون یادگیری زبان پرداخته‌اند همخوانی دارد، همچنین با پژوهش‌های دیناروند (۱۳۷۲)، مکوندی (۱۳۷۷)، ویلرز، جی (۱۹۹۴) که نشان داده‌اند میان دو زبانه‌ها و یک زبانه‌ها از لحاظ پیشرفت تحصیلی تفاوت دارند که تحقیق حاضر با این پژوهش‌ها همخوانی دارد، در پژوهشی که توسط محی‌الدین (۱۳۵۳) انجام گرفت و نشان داد که عملکرد دو زبانه‌ها در برخی زمینه‌ها از یک زبانه‌ها بهتر است که با نتایج پژوهش حاضر همخوانی دارد.

البته در پژوهشی که توسط ایلن بیالستوک و همکاران (۲۰۰۵)، الهام پور (۱۳۷۷)، بابایی و زارعی (۱۳۸۵)، پناهی (۱۳۸۴)، نایاک، ان، هانسن و همکاران (۱۹۹۰)، انجام گرفت برتری یک زبان نسبت به دو زبان بیان شده است که با پژوهش حاضر همخوانی ندارد. هر چند در بررسی رگرسون چند متغیری، پیش‌بینی بعضی متغیرهای کنترل در یادگیری با پژوهش حاضر همخوانی دارد. البته باید متذکر شد که در بعضی پژوهش‌های اشاره شده فقط به یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان توجه شده است، نه منحصراً زبان انگلیسی، اما پژوهش حاضر به بررسی رابطه دو زبان و یک یادگیری صرفاً زبان انگلیسی پرداخته است که با مطالعه ادبیات پژوهش در ایران، تاکنون در این زمینه مطالعات کمی انجام گرفته است. این پژوهش نشان داد که با کنترل متغیرهایی مانند ویژگی‌های شخصیتی، خانوادگی و آموزشگاه باز هم اثر دو زبانی در یادگیری زبان انگلیسی مؤثر بوده است یعنی ۲۵ درصد یادگیری زبان انگلیسی دو زبانی را تبیین می‌کند، البته تفاوت یادگیری زبان انگلیسی دو زبانها و یک زبانها ناشی از عوامل کنترلی مثل هوش و وضعیت آموزشگاه و وضعیت خانوادگی بوده است. یکی از دلایل تبیین بهتر بودن دانش‌آموزان دو زبان بر یک زبان که با پژوهش‌های انجام گرفته سال‌های اخیر همخوانی دارد این است که دانش‌آموزان دو زبان محدودی لغات بیشتری نسبت به یک زبانها دارند، علاوه بر آن چون دانش‌آموزان عرب زبان در مدرسه به زبان فارسی درس می‌خوانند و به نوعی به مطابقت لغوی و دستوری زبان مادری با زبان فارسی می‌پردازند و از لحاظ روان‌شناختی به نوعی مطابقت عادت کرده‌اند، در نتیجه مطابقت با زبان انگلیسی از لحاظ لغوی و دستوری برای دانش‌آموزان عرب زبان آسان‌تر از دانش‌آموزان فارسی زبان است به‌خصوص در سال سوم راهنمایی شاید این تفاوت آشکارتر از سال‌های بعدی باشد که این پژوهش با کارهای لیندا، ام. مک مولین (۲۰۰۲)، هاشین، آر، ای وساهیل، اس، ای (۱۹۹۴)، محی‌الدین (۱۳۵۳)، عارفی (۱۳۵۷)، باربارا توردل (۲۰۰۷)، ارتورو، ای، هرناوندز، پینگ، لی (۲۰۰۷)، منگوبهی، اف (۱۹۹۱)، یوحنایی (۱۳۸۳)، ام، کندراسون و همکاران (۲۰۰۸)، همخوانی دارد و کارهای آنها را تأیید می‌کند. باید بیان کرد که این پژوهش در منطقه عرب زبان انجام شده است، پیشنهاد می‌شود که نظیر این تحقیق در میان مناطق ترک زبان، کرد زبان و دیگر زبانها انجام گیرد تا راهکارهای بومی برای آموزش زبان انگلیسی در نقاط مختلف کشور برنامه‌ریزی شود.

منابع فارسی

- الهام پور، ح. (۱۳۷۷). بررسی رابطه‌ی دو زبانی در دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی ناحیه یک. اهواز مجله علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهیدچمران اهواز شماره ۲ و ۱.
- بابایی، ع. احمد و زارعی. (۱۳۸۵). شناخت محور زبان‌گردانی در عملکرد نوشتاری فراگیران ایرانی زبان دوم. رساله‌ی کارشناسی ارشد دانشکده زبان خارجی دانشگاه اصفهان.
- براهنی، م. ت. (۱۳۷۱). پیامدهای شناختی دو زبانی. مقاله ارائه شده در سمینار بررسی ابعاد دوزبانی، تهران.
- پناهی، غ. (۱۳۸۴). بررسی روش نوین در ارتقای انتقال یادگیری از زبان مادری به موقعیت‌های مشابه یادگیری واژگان در زبان دوم. رساله‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده زبان خارجی دانشگاه اصفهان.
- تامسون، ک. (۱۹۸۷). زبان، تفکر و شناخت. ترجمه: شیروانلو (۱۳۷۴). تهران: انتشارات توس.
- تقی زاده، ص. (۱۳۵۱). بررسی تأثیر دو زبانه بودن در هوش. گزارش پژوهش دوره لیسانس گروه روانشناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران.
- فلال، ج. و پیتر اچ سالوسی. (۱۹۸۷). زبان و مهارت‌های زبانی. ترجمه: اخشینی، علی (۱۳۶۹). چاپ اول انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.
- دیناروند، ح. (۱۳۷۲). مقایسه عملکرد وافت تحصیلی دانش‌آموزان دو زبانه و یک زبانه شهر شوش. رساله‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- داگلاس براون، ا. ج. (۱۹۹۱). اصول یادگیری و تدریس زبان. ترجمه: ضیاء حسینی. انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳.
- سمینار بررسی ابعاد دو زبانی. (۱۳۷۱). دبیرخانه شورای تحقیقات وزارت آموزش و پرورش و مجموعه مقالات، تهران.
- ساعی، م. (۱۳۷۲). زبان آموزی. انتشارات دانشگاه پیام نور.
- عارفی، م. (۱۳۷۵). مقایسه فهم خواندن فارسی کودکان دو زبانه ارومیه ترکی زبان یا ارمنی زبان. رساله‌ی کارشناسی ارشد رشته روانشناسی تربیتی دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران.

- محمدزاده، (۱۳۶۵). بررسی شاخص‌های روان‌شناختی در دو گروه فارسی زبان و زرتشتی زبان. رساله‌ی کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران.
- محمی‌الدین، م. (۱۳۵۳). ترک زبان بودن والدین و تأثیر آن در یادگیری خواندن و نوشتن کودکان، رساله‌ی کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- نجف‌آبادی‌الله‌وردی، (۱۳۷۴). یادگیری زبان و رشد واژگان، نشر میترا، تهران.
- نیلی‌پور، ر. (۱۳۷۱). ماهیت و مفاهیم اساسی دو زبانگی. مقایسه ارائه شده در سمینار بررسی ابعاد دو زبانگی، تهران: تیرماه ۱۳۷۱.
- نیلی‌پور، ر. (۱۳۷۷). توانایی دو زبانه شدن کودکان و بزرگسالان. انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۵۸.
- نجاریان و مکوندی، ب. (۱۳۷۷). مروری بر پیامدهای دو زبانگی. فصلنامه تعلیم و تربیت شماره ۵۲ سال ۱۳۷۷.
- ویگو تسکی. (۱۹۸۴). اندیشه و زبان. ترجمه: قائم زاده (۱۳۶۹). نشر آفتاب، تهران.
- وال برگ، جی، اف. (۱۹۸۷). زبان و زبان‌شناسی. ترجمه: حمید سرهنگیان، انتشارات دانشگاه تبریز.

منابع انگلیسی

- Arturo, E. & Hernandez, P. (2007). Age of Acquisition: Its Neural and Computational Mechanisms Psychological Bulletin. Volume 133, Issue4, , Pages 638-650.
- Barbara, T. (2007). International Journal of Educational Development. Volume 27, Issue 5, Pages 552-563.
- Devin, G. (2008). Benefits of bilingualism: Evidence from Mormon missionaries, Economics of Education Review. Volume 27, Issue 2, April, Pages 234- 242.
- Ehrman, M. (1996). Under Standing Second Language Learning difficult. Thous and Oaks, CA:Sage.
- Ellen, B. (2005). Catherine McBride-Chang, Gigi Luk Bilingualism, Language Proficiency, and Learning to Read in Two Writing Systems. Journal of Educational

Psychology. Volume 97, Issue 4, November 2005, Pages 580-590.

Hashin, R. A. & Sahil, S. A. (1994). Examining Learners Language Learning Strategies. R ELC Journal.

Kenndey, L. & Park, N. & Hae, S. (1994). Home Language As a predictor of Academic Achievement: A comparative study of mexicand Asian-American, youth Journal of research and development in Education. VOL 27, 154-159.

Larsen, F. & Freeman, D. & long, M. H. (1997). An introduction to Second Language a question research. London: Longman.

Linda, M. (2002). Learning the Languages of Research: Transcending Illiteracy and Indifference, Canadian Psychology, Volume 43, Issue3, August 2002, Pages 195-204.

Mangubhi, F. (1991). The Processing behaviors of adult Second language learners and their relationship to second language proficiency. Applied. Linguistics,17,724-730.

MKendra, D. & Sun-Alperin, K. (2008). Min Wang Spanish-speaking children's spelling errors with English vowel sounds that are represented by different graphemes in English and Spanish words, Contemporary Educational Psychology, In Press, Corrected Proof, Available online 12 February.

Nayak, N. & Hansen, N. & Kruger, N. & Mclaughlin, S. (1990). language learning Strategies in monolingual and Multilingual adults. Language learning , 40, 221-244.

Norbert, A. (2005). Francis Bilingual children's writing Journal of Linguistics and Education, Volume 16, Issue 1, Spring 2005, Pages 74-92.

O'malley, J. M. & chamot, A. V. (1990). Learner strategies in second language ac quistition. New York: Cambridge university press.

Simones. J. A. (1976). The Bilingual child. Academic press. New York.

Ulrike, H. (2006). Bilingual and multilingual language processing, Journal of Physiology-Paris, Volume 99, Issues 4-6, June 2006, Pages 355- 369.

velerz, J. (1994). Matching words to Concepts in Two Languages; Atest of the Concept Mediation Mided of bilingual requestion. *Memory and Cognition*, vol , 23,166-180.

Weinrech, U. (1953). *Languages in Contact* (7th end). Mouton the Hague: Paris.

Archive of SID